

عنوان مقاله:

بررسی ادبیات کودک

محل انتشار:

پنجمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

ستاره گرایلو - کارشناس ادبیات فارسی، کارمند آموزش و پرورش

امیرمحمد بزی - دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشجومعلم

علی قزل سوفلو - دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشجومعلم

خلاصه مقاله:

کودک یک نماد است و دلیلی بر وحدت خلقت. هر تولدی مظهر جدیدی از هستی است. کودک نماد سعادت از دست رفته جامعه جدید و در عین حال عامل کسب دوباره آن به حساب می آید. بی تردید او عامل بیداری خود ما و جامعه ما محسوب می شود. اگر جهان به دنبال یافتن ارزشهای نوین است، باید دستهای خود را به سوی کودکان دراز کند. جامعه جدید معتقد است که کودکان دارای دو خصوصیت متضاد هستند، هم فاقد قدرت اند و هم منجی جهان. کودکان همیشه خارج از نظام جامعه قرار دارند و معنی آن را زیر سوال می برند؛ اما از طرف دیگر، کودک فقط کودک است. یک انسان کوچک با ضمیری پاک و آماده آموزش دیدن. کسی که با روح و جسم خود در میان مردم زندگی می کند، احتیاجات روحی و جسمی خاص دارد و حواسی مستعد برای آزمایش جهان پیرامون خود، با قلبی پر از مهر و نیازمند محبت. کودکی با استعداد ذاتی، قدرت تشخیص و آماده برای پروراندن آرمانهای انسانی. آنان در دوران کودکی، بیش از هر دوره دیگر زندگی، کشف می کنند، باز می آفرینند و به دنبال حقیقت در تجارب انسانی هستند. از طرف دیگر بنا به گفته پروفیسور هوگارت: « ادبیات کشف می کند، باز آفرینی می کند و در جست و جوی معناست. » پس کودک در کنار ادبیات قرار می گیرد.

کلمات کلیدی:

ادبیات کودک، خلقت، رشد، توانایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1646680>

